



جمعیت مزاحم و آزارده

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ لِمَ تَقُولُونَ لِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي
رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ :

(بیاد آر) هنگامی را که موسی ب قوم خود گفت : چرا
مرا آزار می دهید با اینکه میدانید من فرستاده خدا بسوی
شما هستم ، وقتی دل های آنان (قوم موسی) به انحراف
(از حق و به گناه) متمایل گردید ، خداوند نیز قلب های
آنان را منحرف ساخت (و توفیق خود را از آنان قطع
کرد) خدا گروه گناهکار را هدایت نمی کند .

* * *

موسی بن عمران از پیامبران بزرگ جهان بشریت است ، مبارزات پی گیری با
بت پرستی و بشر پرستی و هر نوع توجه ب غیر خدا ، زینت بخش صفحات تاریخ ملل جهان بوده
و مورد عنایت قرآن مجید نیز می باشد و در عظمت و جلالت و اهمیت مبارزهای وی کافی است
که قرآن مجید ۱۳۶ بار از او نام برده و تاریخ زندگی و مبارزه های مؤثر و سخنان حکیمانه
و دلنشین ویرا ، بصورت های مختلف در ۳۴ سوره (۱) ، گاهی بطور تفصیل و گاهی به نحو

۱- این سی و چهار سوره عبارتند از سوره های : بقره ، آل عمران ، النساء ، المائدة ،
الانعام ، الاعراف ، یونس ، هود ، ابراهیم ، الاسراء ، الکهف ، مریم ، طه ، الانبیاء ،
الحج ، المؤمنون ، الفرقان ، الشعراء ، النحل ، القصص ، العنکبوت ، السجدة ، الاحزاب ،
الصفات ، غافر ، فصلت ، الشوری ، الزخرف ، الاحقاف ، الذاریات ، النجم ، الصف ،
النازعات ، الاعلی .

اجمال نقل کرده است ، و قسمت مهمی از قصص قرآن را حوادث مربوط بزندگان حضرت کلیم (چه حوادث دوران طفولیت و جوانی و چه مبارزه‌های پی‌گیروی با دستگاه فرعون و سعی و کوشش‌های دلسوزانه وی در هدایت و رهبری قوم بنی‌اسرائیل ورنجها و زحمت‌هایی که در این راه دیده و تحمل نموده است) ، تشکیل میدهد ،

اگر حضرت کلیم ، در میان ملل جهان به عظمت و بزرگواری و اخلاص و حقیقت‌پرستی معروف است ، قوم بنی‌اسرائیل بشهادت تاریخ صحیح و متون کتب آسمانی ، به لجاجت و مجادله بشکیک و تردید در امور واضح و روشن ، و بی‌اعتنائی بتکالیف حلال و حرام الهی و شانه خالی کردن از زیر بار وظایف مذهبی و بالاخره ایذاء و آزار پیامبران حتی بسرحد کشتن و ریختن خون آنان ، معروف و مشهورند .

با اینکه بنی‌اسرائیل میدانستند ، که موسی بن عمران فرستاده خدا است ، و همگی معجزات و آیات نبوت و دلائل رسالت وی را مشاهده میکردند ، و همه آنان این حقیقت را لمس کرده بودند که ، خداوند وسیله این مرد آسمانی ، آنان را از زیر یوغ اسارت و ستم‌های وصف‌ناپذیر فرعون ، نجات داد ، و همگی را به نیروی غیبی ، از آب دریا عبور داد ، و فرعون و سپاهیان وی را غرق کرد ، مع الوصف هنوز چند لحظه از نجات آنان نگذشته بود که دیدگان بنی‌اسرائیل بگروه بت‌پرستی افتاده که بجای خدای واقعی ، بتها را پرستش میکردند ، قوم موسی بجای اینکه بحضرت کلیم کمک کنند تا آنان را از بت‌پرستی بازدارد ، با کمال جسارت بموسی گفتند : **اجعل لنا الهاکما لهم الهه قال انکم قوم تجهلون (۱)** : برای ما خدائی مانند خدایان آنان درست کن تا او را به بینیم و لمس کنیم ، عبادت نمائیم (موسی در پاسخ آنان گفت) شما گروه جاهل و نادان می‌باشید . سپس آنان را با جمله‌های زیر مورد خطاب قرار داد : **اغیر الله ابغیرکم اله او هو فضلکم علی العالمین واذ انجیناکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب ، یقتلون ابناءکم ویستحیون نساءکم و فی ذلک بلاء من ربکم عظیم (۲)** یعنی برای شما غیر خدای واقعی طلب کنم (چگونه این کفران نعمت را مرتکب شوم) در حالیکه او شمارا بر جهانیان برتری داده است ، بیاد آرید وقتی را که خدا شما را از چنگال قوم فرعون نجات داد ، شمارا بشدیدترین وضع شکنجه میدادند ، پسران شما را می‌کشتند ، زنان شما را اسیر می‌کردند و این موضوع برای شما آزمایش بزرگ است .

چه اهانت و آزاری بالاتر از این وقتی موسی بن عمران آنان را برای جهاد و مبارزه

۱- الاعراف : ۱۳۸ .

۲) ، الاعراف آیه‌های : ۱۴۰ و ۱۴۱

با ستمگران سرزمین مقدس (شام و فلسطین) دعوت نمود ، و وعده الهی را به آنان یادآوری کرد که اگر ستمگران سرزمین مقدس را بیرون برانند ، سرزمین مقدس از آن آنها خواهد بود ، ولی آنان در پاسخ ندای حضرت کلیم گفتند ، فاذهب انت وربك فقاتلا انا ههنا قاعدون (۱) یعنی تو و خدای خویش بروید ، نبرد کنید ستمگران را بیرون نمائید) و ما در اینجا نشسته ایم .

منظور از ایذاء در آیه چیست :

ممکن است مقصود از ایذاء در آیه ، آزار دیگری باشد که در سوره احزاب به آن نیز اشاره شده است چنانکه میفرماید : یا ایها الذین آمنوا لا تکنوا کالمذنبین آذوا موسی فبرأه الله مما قالوا وکان عند الله وجیها (۲) ای افراد باایمان هرگز مانند کسانی نباشید که موسی را اذیت کردند و خداوند او را از هر گونه تهمت تبرئه نمود .

مفسران در توضیح این ایذاء که بدنبال آن تبرئه الهی وارد شده است چنین مینویسند (۳) :

جمعی از بنی اسرائیل با کمال و فاحت حضرت کلیم را بقتل برادر داشتن بیماری جلدی حتی عمل منافی عفت با زنی متهم کرده مبلغی بزنی داده بودند که در اجتماع بزرگ بنی اسرائیل او را متهم سازد . ولی تمام نقشه های آنان نقش بر آب شد ، و پاکی و فضیلت موسی بن عمران کاملاً اثبات گردید .

هدف آیه : آیه علاوه بر اینکه مومنان را از سرانجام آزار پیامبران بیم می دهد ، یک نوع تسلی خاطر به پیامبر داده ، و می رساند که همه پیامبران در عصر خود گرفتار آزار افراد نااهل بودند و قرآن این حقیقت را بطور مکرر یادآوری کرده و میفرماید : و لقد کذبت رسل من قبلك فصبروا علی ما کذبوا و اذوا حتی اتاهم نصرنا (۴) : پیش از تو پیامبران دیگر مورد تکذیب امت خود واقع شدند و در برابر تکذیب و ایذاء آنان بردباری خرج دادند تا کمکهای ما به آنان رسید .

و در آیه دیگر صریحاً می رساند ، که برای تمام پیامبران آسمانی ، دشمنانی بوده ، و برای فریب دادن مردم ، گفتارهای فریبنده القاء می کردند . (۵)

ناگفته پیداست ، سخن حق ، برقرار ساختن عدل و انصاف ، در کام ستمگران و اشخاص نااهل تلخ خواهد بود و قطعاً بدشمنی و آزار رجال حق بر خواهند خاست ، این دانیز باید توجه داشت که این موضوع اختصاص به پیامبران الهی نداشته و تمام مردان بزرگ و افراد مصلح و کسانی که تحولی در جوامع بشری ایجاد کردند همواره سهمی از این دشمنان

(۱) : المائدة : ۲۴ . (۲) : الاحزاب : ۶۹ .

(۳) : مجمع البیان ج ۴ ص ۳۷۲ . (۴) : الانعام : ۳۴ .

(۵) : و كذلك جعلنا لكل نبي شياطين الانس والجن يوحى بعضهم الى بعض زخرف

القول غرورا الانعام : ۱۱۲

سرسخت ولجوج داشته اند.

علم بعمل دعوت میکند

نکنه جالب در آیه همان جمله : **و قد تعلمون انی رسول الله الیکم** ، میباشد، و تکیه گاه حضرت موسی روی این جمله است و میگوید با اینکه شما میدانید من فرستاده خدا بسوی شما هستم، پس چرا مرا آزار میدهید ، و انتظار از عالم این است که کردار خود را با دانش خود تطبیق دهد .

قدرت علم و دانش گاهی بحدی میرسد که در انسان ایجاد عصمت و مصونیت از گناه میکند و هر گاه گروهی از بشر گرد گناه نمی گردند ، بر اثر اطلاع قطعی و علم استوار آنان به کیفیهائی است که در کمین گناهکاران قرار گرفته است .
در همین جهان ما ، برای گروهی از مردم ، علم و اطلاع قطعی از عواقب يك عمل ، ایجاد عصمت می نماید ، هرگز يك پزشك خردمند ، بهیچ قیمت حاضر نمیشود مقداری از آبی را که رختهای بیماران جذامی را در آن شسته اند بخورد زیرا می داند که بدنبال آن بیماری شدید و مرگ است .

هر گاه بشريك چنین علم قطعی خلل ناپذیر به کیفیهای اعمال خود پیدا کند ، و سرانجام گناه آنچنان در نظر او محسوس گردد ، که دردید گناه وسیع ذهن کیفر بدکاران و شعله های دوزخ را مشاهده نماید ، بطور مسلم يك نوع مصونیت از گناه پیدا می کند .
از این نظر خداوند علماء را به خشیت و ترس از گناه اختصاص داده و میفرماید : **انما یخشى الله من عباده العلماء (۶)** : ترس از کیفیهای الهی از آن کسانی است که به عواقب اعمال بد آگاه باشند .

در برخی از روایات به این حقیقت که علم انسان را طبعاً بعمل دعوت می کند . تصریح شده است چنانکه حضرت صادق میفرماید **العلم مقرون الی العمل فمن علم عمل ومن عمل علم** .
والعلم یهتف بالعمل فان اجابه والا ارتحل عنه (۲) یعنی علم و عمل با یکدیگر همراهند ، هر کسی علم داشته باشد عمل می کند ، (و علم طبعاً انسان را بعمل دعوت می کند) و هر کسی عمل نماید ، علم و دانشش باقی میماند دانش هاتقی است که دانشمندی را بعمل فرا میخواند ، اگر دعوت او را اجابت کرد و عمل نمود ، برای او باقی میماند و اگر بآن پاسخ مثبت نداد از او جدا می گردد .

این جمله و امثال آن میرساند که اگر سائر عوامل مخرب ، گام در میدان زندگی نگذارند نتیجه مستقیم علم کشف بسوی عمل است ولی اگر علم مقهور شهوات و مطامع زود گذر زندگی قرار گرفت . در آن صورت نه تنها علم برای او وسیله سعادت نخواهد بود ، بلکه در این صورت از علم بعنوان حربه برنده در هموار ساختن راه اشباع نادرست غرائز ، و توسعه گناه و اشاعه فساد ، استفاده خواهد کرد .